

پالایش فضای مجازی در پرتو اسناد حقوق بشری*

- لیلا پورنجفی قوشچی^۱
- حسین فخر^۲
- بابک پورقهرمانی^۳

چکیده

پالایش فضای مجازی در حمایت از برخی حقوق و آزادی‌های بشری، با مداخلاتی برای حق آزادی بیان و اطلاعات و نیز برخی جنبه‌های حریم خصوصی همراه است و عدم رعایت اصول و ضوابطی در اعمال آن، حتی ممکن است به نقض این حقوق منجر شود. با تأمل در اسناد منطقه‌ای و بین‌المللی، می‌توان ضوابطی برای اعمال پالایش با هدف دستیابی به الگویی

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۲۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۲۵.

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران
(lealapornajafi@yahoo.com).

۲. دانشیار دانشکده حقوق و علوم اجتماعی دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول)
(hossein.fakhr1365@gmail.com).

۳. دانشیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران
(b.pourghahramani@yahoo.com).

منطبق با موازین حقوق بشر استخراج نمود که کاربست آن‌ها می‌تواند بین محدودیت‌های ناشی از پالایش از یک سو و حقوق بنیادین در یک جامعه مردم‌سالار از سوی دیگر، تعادل برقرار نماید.

این مقاله با شیوه تحلیلی - توصیفی به این نتیجه می‌رسد که رعایت اصول چهارگانه ملهم از اسناد حقوق بشری در اعمال پالایش، شامل اصل قانونی بودن، اصل هدف مشروع، اصل ضرورت و اصل تناسب، ضمن افزایش کارآمدی پالایش و کاهش زمینه توسل به اقدامات ضد پالایش توسط کاربران، می‌تواند از مداخلات بی‌رویه و غیر ضروری دولت‌ها در حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان جلوگیری نماید.

واژگان کلیدی: پالایش فضای مجازی، آزادی بیان و اطلاعات، حریم خصوصی، ضرورت، تناسب، هدف مشروع.

مقدمه

ایجاد محدودیت در فضای مجازی و اعمال پالایش،^۱ منحصرأً ترفند رژیم‌های سیاسی مقتدر و تمامیت‌خواه نیست؛ بلکه امروزه پالایش به عنوان یک قاعده جهانی جهت تثبیت حق حاکمیت دولت‌ها در قلمرو برخط تلقی می‌شود، به طوری که تقریباً همه کشورهای جهان، بنا به ملاحظات سیاسی، عقیدتی، فرهنگی و اقتصادی خود جهت مبارزه و کنترل جرم و آسیب‌های اجتماعی در فضای مجازی، به اعمال پالایش می‌پردازند.

با این حال نمی‌توان تردید کرد که اعمال پالایش برای برخی از مصادیق حقوق بشر و آزادی‌های اساسی از جمله حق زندگی خصوصی و حق آزادی بیان و اطلاعات که تقریباً در قوانین اساسی همه کشورها و نیز اسناد مهم بین‌المللی و منطقه‌ای به رسمیت شناخته شده است، پیامدهایی دارد؛ بدین شرح که گاه با فراهم ساختن امکان زیر نظر گرفتن فعالیت‌های شهروندان در فضای مجازی و در نتیجه ضبط و نگهداری برخی از محتواهای مبادله‌شده توسط کاربران که به زعم متولیان امر، محتوای غیر قانونی قلمداد می‌شوند، در «حق زندگی خصوصی» آن‌ها مداخله می‌نماید و گاه با ایجاد ممنوعیت

1. Filtering.

در دسترسی کاربران به برخی اطلاعات برخط یا با جلوگیری از امکان تبادل یا انتشار برخی محتواها در اینترنت، «محدودیت‌هایی در "حق آزادی بیان و اطلاعات" ایجاد می‌کند» (Parti & Marin, 2013: 147)؛ چرا که دسترسی به اینترنت، حتی اگر در حال حاضر، خود به عنوان یک حق بنیادین مستقل به رسمیت شناخته نشده باشد، حداقل به عنوان یکی از راه‌های اعمال حق آزادی بیان و اطلاعات، واجد اهمیت فراوانی است و هر گونه محدودیت در دستیابی به اینترنت، منجر به تضعیف این حق خواهد شد.

پالایش ضمن تقابل با برخی حقوق، ممکن است با برخی دیگر از حقوق بنیادین همسو باشد و رعایت این حقوق حتی ممکن است با پالایش فضای مجازی ملازمه داشته باشد. حمایت از کودکان در مقابل خشونت به ویژه خشونت‌های جنسی، از جمله آن حقوق می‌باشد؛ به طوری که امروزه به منظور حمایت از حقوق کودکان، اعمال پالایش «بر محتواهای مشتمل بر هرزه‌نگاری کودکان، به قاعده‌ای جهان‌شمول مبدل گشته است» (Zittrain & Palfrey, 2007: 20).

حقوق اشخاص در مقابل تبعیض و نیز حقوق مالکیت‌های فکری هم از جمله حقوقی است که چنانچه اعمال پالایش با هدف حمایت از این حقوق صورت گیرد، می‌تواند تحت شرایطی موجه قلمداد شود.

می‌توان گفت که منظور از پالایش فضای مجازی، جلوگیری از دسترسی به برخی صفحات وب، گروه‌های خبری و... است که از نظر هیئت حاکمه، متضمن محتوای غیر قانونی یا مجرمانه می‌باشد^۱ و فضای مجازی یا سایبری را نیز می‌توان به معنای محیط دیجیتالی با قابلیت ایجاد، تولید و تبادل اطلاعات دانست که توسط سیستم‌های اطلاعاتی و شبکه‌های ارتباطی الکترونیکی ایجاد می‌شود.

هدف این مقاله، ارائه اصول و شرایط پالایش عادلانه است و در این راستا، از اسناد حقوق بشری همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و

۱. اصطلاح پالایش، گاه با مسدودسازی (blocking) به یک معنا تلقی می‌شوند. ولی این دو اصطلاح علی‌رغم قرابت، با هم تفاوت دارند؛ بدین شرح که مسدودسازی بر جلوگیری از دسترسی به کل یک وبگاه خاص یا کل آدرس پروتکل اینترنتی (ip) که در فهرست سیاه گنجانده شده است، دلالت دارد، در حالی که پالایش، فقط صفحات خاصی از یک وبگاه یا پروتکل اینترنتی را در بر می‌گیرد.

سیاسی، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، کنوانسیون آفریقایی حقوق و آزادی‌های اینترنتی و... نیز برخی آرای دادگاه اروپایی حقوق بشر بهره خواهیم جست. بر این اساس، مقاله مشتمل بر دو بخش خواهد بود. در بخش اول به حقوق بنیادینی می‌پردازیم که از اعمال پالایش متأثر می‌شوند. در این مبحث بررسی خواهد شد که برخی از مصادیق این حقوق، تحت تأثیر پالایش محدود شده و حتی ممکن است نقض شوند. در حالی که برخی دیگر با اعمال پالایش، احتمال دارد که تقویت شوند. در بخش دوم مقاله، به منظور ایجاد تعادل بین محدودیت‌های ناشی از پالایش و حقوق بنیادین مذکور در فوق، اصول و ضوابطی معرفی خواهند شد که رعایت آن‌ها لازمه اعمال محدودیت بر حقوق و آزادی‌های اساسی بوده و به کارگیری آن‌ها می‌تواند از استفاده ابزاری دولت‌ها از پالایش فضای مجازی جلوگیری نماید.

لازم است اشاره شود که تا کنون پالایش در پرتو حقوق بنیادین مورد مطالعه قرار نگرفته است. هرچند در خصوص شرایط عام محدودیت‌هایی که ممکن است بر حقوق بنیادین تحمیل شود، مقالاتی به طور پراکنده به رشته تحریر درآمده است (کوچ‌نژاد، ۱۳۸۳؛ مرکز مالگیری، ۱۳۸۳) که بعضاً به فراخور بحث، مورد استفاده و استناد قرار خواهند گرفت. نیز برخی پژوهش‌ها در زمینه ابعاد فقهی پالایش نگاشته شده‌اند (برای نمونه ر.ک: اسماعیلی و نصرالهی، ۱۳۹۵؛ جاویدنیا و دیگران، ۱۳۹۴؛ حسین‌نژاد و منیری حمزه‌کلایی، ۱۳۹۶) که عمده‌تاً در راستای یافتن توجیهی در جهت افزایش دامنه پالایش و تأیید رویکرد سیاست‌های اتخاذی می‌باشند؛ در حالی که هدف تحقیق حاضر، ارائه اصولی در جهت جلوگیری از استفاده افراطی از پالایش است.

۱. حقوق بنیادین متأثر از پالایش

اجرای پالایش بر برخی مصادیق حقوق بنیادین، محدودیت‌هایی تحمیل کرده و این حقوق را در معرض تضعیف قرار می‌دهد و در عین حال ممکن است با حمایت‌هایی برای برخی دیگر از مصادیق حقوق و آزادی‌های بنیادین همراه باشد. گفتنی است که حقوق بنیادین، به آن دسته از حقوقی اطلاق می‌شود که در اسناد حقوق بشری (جهانی یا منطقه‌ای) لزوم احترام بدان‌ها تصریح شده و دول عضو به

تضمین رعایت آن‌ها ملزم شده‌اند (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۹۶: ۱۰؛ جوانی، ۱۳۸۲: ۲۳۰). این حقوق به دو دسته حقوق مطلق و حقوق مشروط تقسیم می‌شوند. حقوق بنیادین مطلق از هر نوع مداخله و محدودیتی مصون هستند؛ از این رو «به سختی می‌توان یک یا دو مورد حق بنیادین مطلق نام برد. (مثل حق حیات و حق بر شکنجه نشدن)» (گرگی، ۱۳۸۳: ۱۷). ولی حقوق مشروطی همچون حق آزادی بیان و اطلاعات یا حق حریم خصوصی، حقوقی قابل نفوذ بوده (Breindle, 2013: 18) و تحت شرایط خاص می‌توانند تحدید شوند.

پالایش ممکن است فقط بر برخی از مصادیق قسم دوم حقوق بنیادین مؤثر واقع شده و آن‌ها را محدود یا تقویت نماید که در ادامه بدان خواهیم پرداخت.

۱-۱. پالایش و نقض حقوق بنیادین

پالایش فضای مجازی، با حق آزادی بیان و اطلاعات و برخی ابعاد حریم خصوصی در تضاد می‌باشد و هر چه دولت‌ها در ایجاد محدودیت در فضای مجازی با گشاده‌دستی عمل کنند، احتمال خواهد داشت که این حقوق نقض گردند.

۱-۱-۱. تقابل پالایش با آزادی بیان

بسته به نوع بهره‌مندی کاربران از فضای مجازی، پالایش ممکن است حق آزادی بیان یا حق آزادی اطلاعات آنان، یا هر دو حق مزبور را دچار خدشه نماید. در این خصوص، کاربران فضای مجازی به دو گروه عمده کاربران منفعل و فعال قابل تقسیم هستند.

کاربران منفعل همان گونه که از نامشان پیداست، در ایجاد محتوا نقشی ایفا نمی‌کنند، بلکه صرفاً دریافت‌کننده اطلاعات منتشرشده در فضای مجازی می‌باشند. محدودیت‌های ناشی از اعمال پالایش فقط بر حق آزادی اطلاعات این کاربران اخلاص ایجاد می‌نماید.

گروه دوم از کاربران فضای مجازی، علاوه بر استفاده از فضای سایبر در جهت دریافت اطلاعات، از این ابزار در راستای تولید محتوا نیز بهره می‌برند و پالایش فضای مجازی، محدودیت‌هایی بیش از تضعیف حق آزادی اطلاعات، بر آنان تحمیل

می‌کند. به عبارت دیگر، پالایش علاوه بر اینکه می‌تواند محتوای مورد درخواست آنان را مسدود کرده و باعث محرومیتشان از حق آزادی اطلاعات شود، همچنین «ممکن است آنان را از ادامه فعالیت در تولید محتوا و در نتیجه حق آزادی بیان محروم نماید» (سلیمی، ۱۳۹۷: ۸۲).

کاربران فعال در دو دسته قابل مطالعه‌اند. بخشی از آن‌ها در قالب رسانه‌های الکترونیکی، خبرگزاری‌ها و... فعالیت می‌کنند. بعضاً نظام‌های سیاسی به دلیل هراس از فعالیت‌های روشنگرانه گروه‌های مخالف و منتقد، این کاربران را ملزم می‌نمایند که «جهت انجام فعالیت خود از مراجع ذی‌صلاح مجوزهای لازم را کسب کنند. اتخاذ این سیاست موجب می‌شود تمام تریبون‌های خبری و اطلاع‌رسانی در دست اشخاص مورد اعتماد حکومت باقی بماند» (رضایی و بابازاده مقدم، ۱۳۹۳: ۶۲). این اشخاص در صورت انحراف از مواضع پیشین خود در مقابل هیئت حاکمه و مبادرت به افشاسازی یا انتقاد از حکومت، به سرنوشتی همچون پالایش، لغو پروانه فعالیت و... دچار می‌شوند.

به دلیل ماهیت تعامل مدار فضای سایبر و تمرکزگرا نبودن آن، تولیدکنندگان محتوا صرفاً به ارباب رسانه ختم نمی‌شوند، بلکه «همه می‌توانند بدون مزیت یا تبعیض، بدان وارد شده» (Barlow, 1996: 1) و بر خلاف رسانه‌های سنتی، بدون نیاز به کسب مجوز از نهاد خاص و با استفاده از ظرفیت‌های این فضا اعم از وبلاگ، وبگاه، صفحه اینستاگرام یا توییتر و... به تولید محتواهای دلخواه خود اعم از متنی، تصویری، صوتی و... پردازند. برخی از این کاربران به ظاهر معمولی، ممکن است از این فضا به عنوان تریبونی جهت ابراز نارضایتی‌های ناشی از سوء مدیریت‌ها، تبعیض‌ها و... بهره‌جسته و بدین‌وسیله با به چالش کشیدن عملکرد دولتمردان، غیر مستقیم در تصمیم‌گیری‌های کشور خود سهم باشند.

باری، نگرانی حکومت‌ها از افشاگری علیه خود، صرفاً به ارباب رسانه ختم نمی‌شود، بلکه تولید و تبادل محتواهای منتقدانه توسط کاربران عادی، که بازتاب دیدگاه‌های آنان نسبت به امورات کشورشان بوده و دیگر شهروندان را نیز به همراهی می‌طلبند، بر دغدغه خاطر دولت‌ها دامن می‌زند. از این رو در اغلب موارد حکومت‌ها

سعی می‌کنند با جرم‌انگاری مبادله هر گونه محتوا و مطالب مخالف با ساختار فکری خود، به توسعه قلمرو مصادیق مجرمانه و پالایش آن بپردازند و تردیدی نیست که چنین اقدامی، موجب لطمه به حق آزادی بیان این کاربران از طریق محدود نمودن آنان در فضای سایبری شود. این در حالی است که دسترسی به اینترنت، حتی اگر در حال حاضر به عنوان یک حق بنیادین مستقل به رسمیت شناخته نشده باشد، حداقل در قالب یکی از راه‌های اعمال حق آزادی بیان و اطلاعات شایان توجه است؛ به طوری که در سال ۲۰۱۱، کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد صراحتاً اعلام کرد:

«ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در خصوص حق آزادی بیان، از تمامی اشکال بیان و ابزار انتشار آن اعم از سمعی - بصری و همه اشکال الکترونیکی و اینترنتی حمایت می‌کند»^۱.

لذا می‌توان گفت که امروزه توسعه خدمات ارتباطی برخط به دلیل اهمیت آن در فراهم نمودن امکان مشارکت مردم در دموکراسی از طریق ابراز ایده‌ها و عقاید مردم، لازمه تحقق آزادی بیان به معنای واقعی کلمه است و هر گونه اقدامی که موجب عدم دسترسی به محتوا از طریق پالایش شود، بسته به نوع، میزان و قلمرو محتوای فیلترشده، می‌تواند در تعارض با آزادی بیان باشد و هر چه دامنه پالایش وسیع‌تر بوده و موضوعات بیشتری را در بر بگیرد، این حقوق بیشتر در معرض مخاطره قرار خواهند گرفت.

۲-۱-۱. تقابل پالایش با آزادی اطلاعات

اینترنت و فضای مجازی به عنوان یکی از شاخص‌های مهم توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، نقش بلامنازعی در شکل‌گیری جامعه اطلاعاتی داشته و با فراهم نمودن جریان آزادانه اطلاعات و در نتیجه آن، نور تابانیدن بر عملکرد حاکمان، توسعه دموکراسی را رقم می‌زند.

امروزه یکی از اهداف تأسیس دول الکترونیک، اطلاع‌رسانی دقیق از عملکرد

1. General Comment No. 34, CCPR/C/GC/34, Adopted on 12 September 2011, Para. 12, Available at: <<https://www.2.ohchr.org>>, Visited: 10/5/2020.

دولت‌ها به مردم است که این مهم جز با تقویت زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات در هر کشور و از جمله فراهم نمودن امکان دسترسی همگان به فضای مجازی میسر نمی‌شود. در واقع، کاربران فضای مجازی اعم از فعال و منفعل، با بهره‌گیری از اینترنت به اطلاعات عمومی دسترسی پیدا می‌کنند و تحدید اینترنت به علت مسدودسازی محتواهای مورد درخواست کاربران، حق دسترسی آنان به اطلاعات را تضعیف می‌نماید. «این خطر زمانی بیشتر احساس می‌شود که حکومت‌ها به دلیل در اختیار داشتن بسترهای اتصال به شبکه جهانی اطلاعات، از قدرت خود در اعمال پالایش سوءاستفاده نمایند» (بابازاده مقدم و اسدی، ۱۳۹۶: ۱۷۰).

باری اعمال محدودیت در فضای مجازی اعم از پالایش، کاهش سرعت اینترنت، کاهش پهنای باند و... به دلیل تضعیف گردش آزاد اطلاعات، در دسترسی شهروندان به اطلاعات اخلال ایجاد می‌نماید. در حالی که امروزه جایگاه فضای مجازی در دسترسی آزاد به اطلاعات، بر کسی پوشیده نیست و این امر در مقایسه با جایگاه دیگر رسانه‌ها اعم از رادیو، تلویزیون و نشریات چاپی، به راحتی قابل احراز است. با نگاهی به «تیراژ روزنامه همشهری به عنوان پرتیراژترین روزنامه ایران که نهایتاً به ۱۸۰ هزار نسخه در روز می‌رسد»^۱ و تعداد بازدید یک خبر در اینترنت، که در کسری از ثانیه توسط میلیون‌ها کاربر دیده می‌شود، می‌توان به نقش فضای مجازی در تسریع جریان آزادی اطلاعات یقین حاصل نمود و تردیدی نیست که اعمال محدودیت در این فضا در مقایسه با دیگر رسانه‌ها، به مراتب تبعات زیانبارتری در گردش اطلاعات ایجاد خواهد نمود. «آنچه بیشتر به گستره اعمال این محدودیت دامن می‌زند، گنجاندن طیف وسیعی از موضوعات مشکوک و به اصطلاح خاکستری در فهرست‌های سیاهی است» (جلالی فراهانی، ۱۳۸۴: ۱۵۲) که مبنای پالایش قرار می‌گیرد. چنین اقدامی عمدتاً توسط حکومت‌های تمامیت‌خواه، تحت پوشش اهدافی چون تأمین امنیت و در واقع در راستای جلوگیری از شفافیت انجام می‌گیرد و به علت منع دسترسی کاربران به برخی اطلاعات عمومی، حق آزادی اطلاعات آن‌ها را نقض می‌نماید.

۱. قابل دسترس در: <www.ensafnews.com>.

۳-۱-۱. تقابل پالایش با حریم خصوصی مراسلات و داده‌های شخصی

هرچند حریم خصوصی کاربران، مستقیماً تحت تأثیر پالایش قرار نمی‌گیرد، ولی برخی از مصادیق آن ممکن است به تأسی از پالایش، به طور غیر مستقیم تضعیف گردد.

مراسلات و از جمله آن ارتباطات اینترنتی، از طریق پالایش در معرض مداخله قرار می‌گیرد؛ چون متولیان فیلتر به منظور کشف و در نتیجه پالایش محتواهای غیر قانونی، با تحت نظر گرفتن محتواهای تبادل شده بین کاربران، جمع‌آوری آن محتواها و بعضاً ذخیره‌سازی آن‌ها بدون اجازه کاربر و به روش غیر قانونی یا برای اهداف نامشروع، حق محرمانگی مراسلات اینترنتی را تضعیف می‌نمایند.

دادگاه اروپایی حقوق بشر نیز در رأی بر این امر تأکید کرده است:

«جمع‌آوری و ذخیره‌سازی اطلاعات شخصی مرتبط با برنامه‌های تلفن فرد یا ایمیل‌های او و نیز ذخیره‌سازی استفاده شخص از اینترنت بدون علم وی، دخالت در حق زندگی خصوصی و نیز حق مراسلات مندرج در ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر می‌باشد»^۱.

یکی دیگر از مصادیق حق زندگی خصوصی، که با توسعه ارتباطات و به ویژه فضای مجازی از اهمیت بیشتری برخوردار گشته و ممکن است با پالایش تضعیف شود، حریم اطلاعات شخصی می‌باشد. در صورتی که قوانین شفاف در حمایت از داده‌های شخصی وجود نداشته باشد، نهادهای دارنده اطلاعات شخصی، در ارتباط با تأمین امنیت آن اطلاعات، قانوناً تکلیفی نخواهند داشت و چه بسا از طریق این داده‌ها امکان نظارت بر فعالیت شهروندان در فضای مجازی را برای نهادهای قضایی و امنیتی به منظور کشف محتواهای مجرمانه و در نتیجه پالایش آن محتواها فراهم آورده و باعث شوند که حق مذکور به خطر افتد. از این رو برخی بر این باورند:

«دولت‌ها از بزرگ‌ترین ناقضان حریم خصوصی هستند که در دوگانگی حریم خصوصی و امنیت، معمولاً طرف امنیت را می‌گیرند و بدون اطلاع شهروندان، اقدام

1. Copland v. the United Kingdom, (Application No. 62617/00), 3 April 2007, Available at: <<https://hudoc.echr.coe.int>>, Visited: 10/7/2020.

به نظارت بر عملکرد کاربران اینترنتی کرده و با توجیه برقراری امنیت و نظم عمومی، حریم خصوصی سایبری را نقض می‌نمایند» (فتحی و شاهمرادی، ۱۳۹۶: ۲۳۹).

۲-۱. پالایش و حمایت از حقوق بنیادین

توسعه اینترنت علی‌رغم دارا بودن کارایی‌های سودمند در جهت اطلاع‌رسانی، آگاهی‌بخشی و توسعه دموکراسی، کاربردهای مجرمانه‌ای نیز دارد. از این رو یکی از طرق مقابله با چنین رویکردی، به کارگیری پالایش در جهت حمایت از آن دسته از حقوقی است که با استفاده نامشروع از فضای مجازی، در معرض خطر قرار می‌گیرند. در واقع، اعمال پالایش با تضمین برخی حقوق بنیادین ملازمه دارد. این حقوق عبارت‌اند از: حقوق کودکان در مقابل هرزه‌نگاری، حقوق اشخاص در مقابل تبعیض و حقوق مالکیت‌های فکری.

۱-۲-۱. حقوق کودکان در مقابل هرزه‌نگاری

حمایت از کودکان، در چندین سند بین‌المللی از جمله پروتکل الحاقی کنوانسیون حقوق کودک در خصوص «خرید و فروش، خودفروشی و هرزه‌نگاری کودکان»، ماده ۳۴ کنوانسیون «حقوق کودک»^۱ و ماده ۲۰ کنوانسیون شورای اروپا^۲ در خصوص «حمایت از کودکان در برابر سوءاستفاده و استثمار جنسی»، مورد تأکید قرار گرفته است. بند اول ماده ۹ کنوانسیون «جرایم سایبری»^۳ نیز به طور خاص درباره حمایت کودکان در مقابل هرزه‌نگاری در فضای مجازی است. طبق این ماده از کنوانسیون، دول عضو متعهد شده‌اند هرزه‌نگاری کودکان در اینترنت را جرم‌انگاری کنند.

۱. ماده ۳۴ کنوانسیون حقوق کودک: «کشورهای طرف کنوانسیون متعهد می‌شوند که از کودکان در برابر تمام اشکال سوءاستفاده‌ها و استثمارهای جنسی حمایت کنند...».

۲. ماده ۲۰ کنوانسیون شورای اروپا: «هر یک از دول عضو متعهد می‌شوند اقدامات قانونی یا سایر اقدامات دیگر را اتخاذ نمایند تا تضمین کنند که رفتارهای زیر، که عمداً و بدون حق ارتکاب می‌یابند، مجازات می‌شوند: تولید، ارائه، در دسترس قرار دادن، توزیع و انتقال هرزه‌نگاری کودکان، تهیه هرزه‌نگاری کودکان برای خود یا اشخاص دیگر و دستیابی آگاهانه به آن از طریق فناوری اطلاعات و ارتباطات».

۳. بند اول ماده ۹ کنوانسیون جرایم سایبری: «دولت‌های عضو مکلف‌اند تولید، توزیع، عرضه، تهیه، توزیع، انتقال، داشتن و ذخیره‌سازی مطالب هرزه‌نگاری کودکان را از طریق سیستم‌های رایانه‌ای جرم‌انگاری نمایند».

نظر به جایگاه حقوق کودکان در اسناد حقوق بشری، می‌توان گفت علاوه بر اینکه حقوق کودکان در مقابل هرزه‌نگاری به سبک‌های سنتی، یکی از مصادیق حقوق بنیادین تلقی می‌شود، همچنین حمایت از آنان در مقابل هرزه‌نگاری‌های اینترنتی نیز از جمله حقوق بنیادین است؛ چرا که امروزه اینترنت به دلیل دسترسی همگان، به عنوان ارزان‌ترین و سهل‌الوصول‌ترین ابزار در جهت تهیه، تولید، توزیع، انتشار، عرضه و فروش هرزه‌نگاری کودکان، در مقایسه با ابزارهای سنتی هرزه‌نگاری، حتی متضمن آسیب بیشتری نسبت به حقوق کودکان است. در واقع هرزه‌نگاری کودکان، «روی تاریک‌تر اینترنت در جهت کاربری نامشروع از شبکه‌های اطلاعات است» (وبلیامز، ۱۳۹۱: ۴۶). بنابراین یکی از مهم‌ترین تدابیری که در فضای مجازی جهت مقابله با چنین رویکردی اتخاذ می‌شود، پالایش محتواهای مربوط به هرزه‌نگاری کودکان است؛ به طوری که چنین محتواهایی، به دلیل انزجار عمومی تقریباً در تمامی کشورهای دنیا پالایش می‌گردند.

۲-۲-۱. حقوق اشخاص در مقابل تبعیض

حمایت اشخاص در مقابل تبعیض نیز از جمله حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین محسوب می‌گردد. وجود اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای متعدد که بر اهمیت حق برخورداری از عدم تبعیض و ضرورت برخورد کرامت‌مدار دولت‌ها با همه شهروندان تصریح کرده‌اند، نظیر ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر،^۱ بند ۲ ماده ۲۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی،^۲ ماده ۴ کنوانسیون «رفع هر نوع تبعیض نژادی»،^۳ پروتکل الحاقی کنوانسیون جرایم سایبری در مورد «ارتکاب اعمال نژادپرستانه و بیگانه‌ستیز از طریق سیستم‌های رایانه‌ای» و... حاکی از اساسی قلمداد شدن این حق است.

۱. ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هر کس می‌تواند بدون هیچ‌گونه تمایز، مخصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و آزادی‌هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده است، بهره‌مند گردد».

۲. بند ۲ ماده ۲۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: «هر گونه ترغیب به تفرق ملی، نژادی، مذهبی که محرک تبعیض یا مخاصمه یا اعمال زور باشد، به موجب قانون ممنوع است».

۳. ماده ۴ کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض نژادی: «... دول عضو باید برای ریشه‌کن ساختن هر قسم تبعیض نژادی، سریعاً تدابیر لازم را اتخاذ نموده و... نشر هر نوع افکار مبتنی بر تفوق یا نفرت نژادی و تحریک به تبعیض نژادی... را جرم‌انگاری نمایند».

اهمیت این حق باعث شده که بیشتر کشورها از جمله «کشورهای اروپایی و آمریکایی، جرایمی را که با انگیزه‌های نژادپرستانه ارتکاب می‌یابد، جرم نفرت‌آلود قلمداد کرده» (دارابی، ۱۳۹۵: ۵۶) و انگیزه مجرم را موجب تشدید مجازات بدانند؛ زیرا جرایم نفرت‌محور در مقایسه با جرایم دیگر، آثار مخرب‌تری دارند و علاوه بر ایجاد صدمات جسمی و روانی بر قربانی مستقیم جرم و ایجاد حس عدم امنیت در اعضای گروه متعلق به بزه‌دیده، چه بسا «موجب تحریک انتقام در گروه بزه‌دیده یا گروه‌های اقلیت شده و به دلیل تشدید تنش‌ها در جامعه، موجی از آسیب‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی» (صادقی، ۱۳۹۵: ۱۹۷-۱۹۸) را ایجاد نمایند.

طبیعی است که استفاده از قابلیت رسانه‌ها در ترویج مستقیم یا غیر مستقیم تبعیض نسبت به گروه‌های خاص و «در نظر گرفتن آنان به مثابه شهروندان غیر خودی و درجه دو» (طهانی طرقي، ۱۳۹۵: ۲۰)، به آثار سوء اقدامات تبعیض‌آمیز دامن می‌زند. از این بین، پیامدهای بهره‌گیری از فضای مجازی جهت اشاعه تنفر و تبعیض، به دلیل تعاملی بودن آن، «ناشناس ماندن نسبی مرتکبان این فضا و جهانی بودن گستره ارتکاب بزه در آن» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۵: ۱۳) به مراتب زیانبارتر است.

استفاده از ظرفیت‌های این فضا توسط مرتکبان اعمال نژادپرستانه و نفرت‌آلود در ترویج تنفر و تبعیض باعث شده است که دولت‌ها به تأسی از اسناد حقوق بشری، در راستای حمایت قربانیان در مقابل تبعیض، محتواهایی از این دست را غیر قابل دسترس سازند و این رویکرد آنان شاید بتواند توجیه معتبری جهت اعمال پالایش فضای مجازی قلمداد شود.

۳-۲-۱. حقوق صاحبان مالکیت فکری

هرچند دو حق پیش‌گفته در مقایسه با حقوق مالکیت‌های فکری، از جایگاه مهم‌تری برخوردارند، ولی این حق هم در برخی اسناد بین‌المللی همچون بند دوم ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر،^۱ بند اول ماده ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی،

۱. بند دوم ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هر کس حق دارد از حمایت منافع معنوی و مادی آثار علمی، فرهنگی یا هنری خود برخوردار شود».

اجتماعی و فرهنگی،^۱ بند دوم ماده ۱۷ منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپا^۲ و... مورد حمایت قرار گرفته است و شاید بتوان آن را از جمله حقوق بنیادین تلقی نمود؛ گرچه در این خصوص، نظرات مخالفی نیز وجود دارد (ر.ک: جوانی، ۱۳۸۲: ۲۳۱). در واقع محتوایی که ناقض حقوق مالکیت فکری می باشد، هرچند به خطرناکی محتوای قبلی نیست، ولی چنانچه اقدامات پالایش کارایی کافی جهت حمایت از این حقوق را داشته باشد، شاید بتواند موجه ارزیابی شود.

۲. اصول پالایش عادلانه

اعمال پالایش در حمایت از برخی مصادیق حقوق بنیادین، با محدودیت‌هایی برای حقوق دیگر همراه است. ایجاد تعادل و موازنه بین این مداخلات از یک سو و حقوق بنیادین از سوی دیگر، مستلزم این است که اعمال پالایش از اصول و شرایطی تبعیت کند که رعایت آن اصول طبق اسناد حقوق بشری اعم از جهانی و منطقه‌ای، در تحمیل هر گونه اقدامات محدودکننده بر حقوق بنیادین الزامی است.

گفتنی است که اسناد حقوق بشری، حاصل رشد فکری و همچنین نتیجه سال‌ها مبارزه بی‌وقفه نوع بشر هستند. بدیهی است هنجارها و قواعد مندرج در این اسناد، که راجع به شرایط اعمال محدودیت بر آزادی‌های بنیادین هستند، نیز بخشی از نظام بین‌الملل حقوق بشر محسوب شده و دول عضو مکلف‌اند در نظام حقوق داخلی خود به الزامات ناشی از آن‌ها گردن نهند. از این رو به منظور تضمین حقوق شهروندان به ویژه حق آزادی بیان و حق زندگی خصوصی آن‌ها و جهت خودسرانه قلمداد نشدن مداخلات دولت‌ها بر این حقوق، اعمال محدودیت در اینترنت و فضای مجازی باید با رعایت اصول مندرج در اسناد مذکور صورت گیرد. در واقع اعمال پالایش «باید با رعایت حقوق و آزادی‌های مدنی و سیاسی مردم به اجرا گذاشته شود تا بتواند جنبه

۱. بند اول ماده ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی: «دول عضو این میثاق، حق هر کس را در امور زیر به رسمیت می‌شناسد: ... ج- بهره‌مند شدن از حمایت منافع معنوی و مادی ناشی از هر گونه اثر علمی، ادبی یا هنری که مصنف (یا مخترع) آن است».

۲. بند دوم ماده ۱۷ منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپا: «هر کس حق مالکیت، بهره‌برداری، انتقال و به‌ارث گذاشتن دارایی‌هایی را که به صورت مشروع کسب کرده است، دارد...».

عادلانه به خود بگیرد» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۴: ۵۶۹) و این امر زمانی محقق می‌شود که دولت‌ها در اعمال پالایش به اصول مصرح در اسناد حقوق بشری ملزم باشند. در این اسناد، محدودیت‌های حقوق بشری به دو شیوه مختلف پیش‌بینی شده‌اند. در برخی اسناد مثل اعلامیه جهانی حقوق بشر (بند ۲ ماده ۲۹)^۱ محدودیت‌ها به طور کلی در یک ماده احصا شده‌اند، ولی در اسنادی همچون میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (بند ۲ و ۳ ماده ۱۹)^۲ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (مواد ۸ و ۱۰)^۳ و کنوانسیون آفریقایی حقوق و آزادی‌های اینترنتی (بند ۳ از اصل ۳ و نیز بند ۲ از اصل ۸)^۴ پس از به رسمیت شناخته شدن هر یک از حقوق بنیادین، محدودیت‌های مربوط به آن

۱. بند ۲ ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هر کس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی‌های خود، فقط تابع محدودیت‌هایی است که به وسیله قانون صرفاً جهت شناسایی و رعایت حقوق و آزادی دیگران وضع شده است تا مقتضیات صحیح اخلاقی، نظم عمومی و رفاه همگانی در یک جامعه مردم‌سالار تأمین گردد».

۲. ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: «بند ۲- هر کس حق آزادی بیان دارد... بند ۳- اعمال حقوق مذکور در بند ۲ این ماده، مستلزم حقوق و مسئولیت‌های خاص است؛ فلذا ممکن است تابع محدودیت‌های معینی بشود که در قانون تصریح شده و برای امور زیر ضرورت داشته باشد: احترام به حقوق یا حیثیت دیگران، حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی و حفظ سلامت یا اخلاق عمومی».

۳. ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، در صورتی مداخله در «حق زندگی خصوصی» را مجاز می‌داند که: «مداخلات منطبق بر قانون باشد و در یک جامعه مردم‌سالار به دلایل زیر ضروری تشخیص داده شود: حفظ امنیت ملی، ایمنی عمومی یا رفاه اقتصادی کشور، پیشگیری از هرج و مرج و ارتکاب جرایم، حمایت از سلامت و اخلاقیات یا حفظ حقوق سایرین».

بند دوم ماده ۱۰ کنوانسیون مزبور نیز مقرر می‌دارد: «از آنجا که اعمال حق آزادی بیان با وظایف و مسئولیت‌هایی همراه است، فلذا ممکن است نیازمند تشریفات، شرایط، محدودیت‌ها یا مجازات‌هایی باشد که به وسیله قانون مقرر شده و در یک جامعه مردم‌سالار به منظور اهداف زیر ضروری باشد:

- حفظ امنیت ملی، تمامیت ارضی یا ایمنی عمومی، پیشگیری از هرج و مرج یا ارتکاب جرایم، حمایت از سلامتی و اخلاقیات مردم، حمایت از آبرو یا حقوق سایرین یا جلوگیری از افشای اطلاعات محرمانه، حفظ اقتدار و بی‌طرفی دستگاه قضا».

۴. بند ۳ از اصل ۳ کنوانسیون آفریقایی حقوق و آزادی‌های اینترنتی: «حق آزادی بیان نباید در معرض هیچ محدودیتی باشد، جز آنکه به موجب قانون و برای اهداف مشروع باشد، در یک جامعه دموکراتیک ضروری و متناسب باشد و منطبق با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشری باشد».

بند ۲ از اصل ۸ کنوانسیون مزبور: «حق حریم خصوصی اینترنتی نباید در معرض هیچ محدودیتی باشد، جز آنکه به موجب قانون مقرر شده و یکی از اهداف مشروع مندرج در قوانین بین‌المللی حقوق بشر را (نظیر اصل ۳ این بیانیه) دنبال نماید و جهت تعقیب هدف مشروع ضروری و متناسب باشد».

حق نیز به طور خاص در همان ماده قید شده‌اند.

طبق این اسناد، اصول لازم برای اعمال محدودیت بر آزادی‌های بنیادین عبارت‌اند از: «منحصراً باید به موجب قانون اعمال شود، یکی از اهداف مشروع پیش‌بینی شده در این اسناد را دنبال نماید و در یک جامعه دموکراتیک ضروری و متناسب باشد» (Article 19¹, 2016: 23).

در ادامه با عنایت به اسناد حقوق بشری، اصول پالایش عادلانه با هدف جلوگیری از نقض حقوق بنیادین ارائه خواهند شد.

۱-۲. اصل قانونی بودن محدودیت‌ها

تحمیل هر گونه محدودیت بر قلمرو آزادی شهروندان باید منطبق بر قانون باشد. پالایش نیز به عنوان یکی از روش‌های اعمال محدودیت بر آزادی افراد، از این قاعده مستثنا نخواهد بود. بدیهی است بسنده نمودن به مفاهیم کلی و فقدان ضابطه روشن مبنی بر اعمال محدودیت در قانون، زمینه مساعدی را جهت تفاسیر متعدد و در نتیجه تحمیل محدودیت‌های گسترده و ناموجه بر شهروندان مهیا خواهد نمود. از این رو ضروری است که قانون متضمن محدودیت، قابل فهم بوده و کلی و عام نباشد. همچنین باید محتوای غیر قانونی را به طور شفاف و با تعیین مصداق اعلام نماید.

در سطح بین‌المللی جهت تحلیل شرایط محدود نمودن آزادی‌های بنیادین، از مفهوم «قانون» دو برداشت متفاوت شده است؛ مثلاً در کمیته حقوق بشر و همچنین دادگاه اروپایی حقوق بشر، مفهوم ماهوی و موسع قانون مدنظر قرار گرفته است که علاوه بر قانون در معنای خاص کلمه، شامل مصوبات دیگر قوا و حتی رویه قضایی نیز می‌شود. در حالی که دادگاه آمریکایی حقوق بشر، مفهوم شکلی و مضیق آن را مورد توجه قرار داده است (کوچنژاد، ۱۳۸۳: ۱۷۵).

به نظر می‌رسد برداشت مضیق از قانون جهت تضمین حقوق کاربران و جلوگیری از سوءاستفاده سایر مقامات مناسب‌تر باشد. در واقع، واگذاری اختیار پالایش به مراجع

۱. یک سازمان حقوق بشری در انگلستان است که دارای وظایف خاصی در جهت دفاع و ارتقای آزادی بیان و اطلاعات در سراسر جهان است. این سازمان نام خود را از ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر گرفته است و مقاله فوق، حاصل تحقیقات انجام‌یافته در سازمان مزبور است.

اداری یا قضایی،^۱ حقوق شهروندان را بیشتر در معرض تضییع قرار می‌دهد. از این رو لازم است پالایش، به موجب قانون مصوب مجلس مقرر شود. علاوه بر آن، جهت مهار قانون‌گذار در سوءاستفاده از اختیارات خود در اعمال پالایش، توسل به قانون در محدود نمودن دایره آزادی شهروندان باید بر مبنای ضوابطی استوار باشد تا ضمن نظام‌دهی به فعالیت‌های اینترنتی، حقوق بنیادین را نقض نکند. برخی این ضوابط را چنین برشمرده‌اند: ضابطه ضرر، پدرسالاری قانونی، اخلاق‌گرایی (ر.ک: محمودی جانکی، ۱۳۸۲: ۱۸۷). ضرر از مهم‌ترین این ضوابط است. مطابق با این ضابطه:

«انسان به خاطر هیچ عملی قابل مؤاخذه نمی‌باشد، به شرطی که عمل او به منافع کسی جز خودش آسیب نرساند» (Mill, 1859: 86).

اقدام ضرررسان ممکن است متضمن ضرر برای دیگران یا جامعه باشد و یا موجب ضرر به خود فرد شود. ممنوعیت مورد اخیر در قالب ضابطه پدرسالاری خواهد بود که بر اساس آن، آزادی افراد به منظور محافظت آن‌ها در برابر اعمال زیانبار خودشان محدود می‌شود. علاوه بر دو ضابطه فوق، در کلیه نظام‌های سیاسی، قانون‌گذاران با تکیه بر ضابطه اخلاق‌گرایی، رفتارهایی را که با اصول اخلاقی مباینت شدید دارد، غیرمجاز اعلام می‌دارند. البته در بیشتر موارد، اعمال غیر اخلاقی ضمناً موجب اضرار به غیر یا ضرر به خود فرد نیز می‌شود؛ به طوری که با معیار ضرر یا ضابطه پدرسالاری همپوشانی پیدا می‌کند. بنابراین مداخله حاکمیت به آن حیثه، مناقشه‌ای بین حقوق‌دانان بر نمی‌انگیزد. آنچه مناقشه‌برانگیز است، اعمال محدودیت بر رفتارهایی است که صرفاً غیر اخلاقی بوده و فاقد هر گونه ضرر اعم از ضرر به خود یا دیگران باشد. بدیهی است حقوق‌دانان که مداخله حداکثری بر حقوق شهروندان را بر نمی‌تابند، توسل بی‌رویه قانون‌گذاران به این ضابطه و در نتیجه توسعه قلمرو پالایش را محکوم می‌کنند.

اگر قانون‌گذار در تدوین قوانین مرتبط با تعیین فهرست مصادیق مجرمانه، ضابطه

۱. ماده ۲۱ قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸، تعیین فهرست مصادیق مجرمانه جهت اعمال پالایش را به کارگروه تعیین مصادیق مجرمانه که هیئتی متشکل از مسئولان ارگان‌های مختلف اعم از قضایی و اجرایی است، محول کرده است.

ضرر را مبنا قرار دهد و به دو ضابطه دیگر جز در موارد استثنایی رغبتی نشان ندهد، چنین قانونی همان کیفیتی را خواهد داشت که حقوق دانان انتظار دارند؛ زیرا گستره پالایش مبتنی بر آن قانون، دامنه محدود داشته و در نتیجه آزادی شهروندان را کمتر تضعیف خواهد کرد. شاید به این دلیل است که پالایش هرزه‌نگاری کودکان که عمدتاً بر مبنای ضابطه ضرر است، تقریباً مورد اجماع تمامی کشورهای دنیا بوده و مقاومت حقوق دانان مدافع آزادی را بر نمی‌انگیزد.

۲-۲. اصل هدف مشروع

اعمال پالایش باید در جهت وصول به یک یا چند مورد از اهدافی باشد که آن اهداف در اسناد بین‌المللی و گاه در قوانین داخلی کشورها، جهت تحمیل هر گونه محدودیت بر حقوق اساسی شهروندان، به عنوان هدف مشروع مورد تأکید قرار گرفته‌اند. روشن است به صرف پیش‌بینی هدف یا اهدافی در اسناد بین‌المللی، پالایش فضای مجازی در جهت تعقیب آن موجه نخواهد بود، مگر اینکه بر اساس مطالعات متخصصان امر، پالایش در وصول بدان هدف عملاً کارآمد بوده و هدف مورد نظر، با روش‌های کمتر مداخله‌کننده، قابل وصول نباشد.

در این زمینه، اهداف مشروع مندرج در برخی اسناد مهم حقوق بشری قابل ذکر هستند.

طبق ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، جهات تحدید آزادی بیان عبارت‌اند از:

«احترام به حقوق یا حیثیت دیگران، حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی و حفظ سلامت یا اخلاق عمومی».

ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز در صورتی مداخله در حق زندگی خصوصی را مجاز می‌داند که:

«به منظور حفظ امنیت ملی، ایمنی عمومی یا رفاه اقتصادی کشور، پیشگیری از هرج و مرج و ارتکاب جرایم و نیز برای حمایت از سلامت و اخلاقیات یا حفاظت از حقوق سایرین باشد».

ماده ۱۰ کنوانسیون مزبور برای توجیه محدودیت در حق آزادی بیان، علاوه بر جهات ذکر شده در ماده فوق، «حفظ تمامیت ارضی، حمایت از آبروی دیگران یا جلوگیری از افشای اطلاعات محرمانه و حفظ اقتدار و بی طرفی دستگاه قضا» را نیز اضافه می نماید.^۱

بسته به کنوانسیون که کشور فیلترکننده عضو آن است و نیز بسته به نوع حقی که محدود می شود، لازم است بررسی شود پالایش در هر مورد، کدامین هدف مشروع یاد شده در اسناد بین المللی را می تواند دنبال نماید. بدیهی است چنانچه ادعا کنیم با پالایش فضای مجازی می توان به همه اهداف مشروع مندرج در اسناد حقوق بشری دست یافت، قطعاً به خطا رفته ایم. بنابراین برخی از اهداف مذکور همچون حمایت از حقوق دیگران، حمایت از سلامت و اخلاقیات مردم و پیشگیری از وقوع جرم، از جمله اهدافی هستند که با اعمال پالایش کارآمد و بر اساس شرایطی که در ادامه مقاله بدان اشاره خواهیم نمود، شاید قابل وصول باشند.

۱-۲-۲. حمایت از حقوق دیگران

در برخی موارد، اقدام به پالایش در راستای حمایت از حقوق دیگران است. این هدف در اسناد بین المللی مذکور در فوق به عنوان هدف مشروع قلمداد شده است. در این خصوص، پالایش می تواند در جهت حمایت از منافع کاربران، ارائه دهندگان خدمات اینترنتی، قربانیان جرم و دارندگان حقوق مالکیت فکری باشد.

«پالایش هرزه نامه به منظور حمایت از سیستم خدمات اینترنتی» (Bitso, 2014: 41) و جهت حفظ موجودیت و کیفیت خدمات ایمیل صورت می پذیرد. پس می توان گفت که هرچند پالایش هرزه نامه از یک طرف ممکن است آزادی مخابرات و حتی حق زندگی خصوصی کاربران توزیع کننده هرزه نامه را در معرض خطر قرار دهد، ولی از طرف دیگر به نفع حمایت از آزادی مخابرات گروه دیگری از کاربران بوده و هدف آن مطابق با اسناد فوق، مشروع قلمداد می گردد.

چنانچه هدف از پالایش شبکه های وب، جلوگیری از دسترسی مردم به فایل هایی

۱. متن مواد این اسناد حقوق بشری، در پاورقی صفحات پیش ذکر شده است.

باشد که حقوق مالکیت فکری همچون صنعت موزیک و فیلم را نقض می کنند، چه بسا این اقدام علی رغم ایجاد محدودیت در حق آزادی بیان و حق زندگی خصوصی، حمایت از حقوق دیگران قلمداد گردد.

یکی دیگر از مصادیق پالایش که می تواند حمایت از حقوق دیگران تعبیر گردد، فیلتر نمودن تصاویر کودکان قربانی سوء استفاده های جنسی یا قربانیان مربوط به تبعیض و تنفر نژادی است؛ با این هدف که شاید با مکتوم نمودن چهره قربانی ضمن حمایت معنوی از آن ها، از سوء استفاده های دیگر کاربران از قربانیان این جرایم جلوگیری شود. در این موارد، «گزارشگر ویژه سازمان ملل نیز پالایش محتوا را موجه ارزیابی نموده است» (Article 19, 2016: 13).

می توان اذعان نمود که بدون بررسی نظر متخصصان امر، شهروندان، قربانیان جرم که تصویرشان منتشر می شود، همچنین نظر کسانی که تصادفاً چنین تصاویری را مشاهده می کنند و کسانی که به قصد دیدن این تصاویر، آن ها را جستجو می نمایند، نمی توان از تأمین منافع قربانیان این جرایم به علت اعمال پالایش اطمینان حاصل نمود.

۲-۲-۲. حمایت از سلامت روانی و اخلاقیات مردم

در بیشتر موارد، هدف از پالایش، حمایت از اخلاقیات یک جامعه می باشد. این هدف نیز در اسناد فوق مورد تأکید قرار گرفته است و از طریق جلوگیری مردم و به ویژه افراد آسیب پذیر جامعه، از دسترسی به محتوای غیر اخلاقی تعقیب می شود. از آنجا که الزامات اخلاقی در زمان و مکان متغیر می باشد، بنابراین تردیدی نیست که محتواهای غیر اخلاقی با توجه به الگوهای داخلی، توسط هیئت حاکمه تعیین می شود. بر اساس دیدگاه دادگاه اروپایی حقوق بشر، «در خصوص اظهار نظر در زمینه الزامات اخلاقی، مقامات داخلی نسبت به قضات بین المللی در موقعیت بهتری قرار دارند»^۱. در واقع، مفهوم اخلاق در یک جامعه دموکراتیک بر اساس طرز تلقی اکثریت شهروندان آن جامعه و توسط مقامات داخلی مشخص می گردد. بنابراین اگر جامعه بر

1. Handyside v. the United Kingdom, (Application No. 5493/72), 7 December 1976, Available at: <<https://hudoc.echr.coe.int>>, Visited: 10/7/2020.

این اعتقاد باشد که باید با برخی محتواها به دلیل مغایرت با اخلاق عمومی مبارزه شود یا بر این باور باشد که مردم باید از دیدن چنین محتواهایی بازداشته شوند، پالایش آن محتواها شاید بتواند از اخلاقیات جامعه و نیز سلامت روانی شهروندان حمایت کند. در واقع «تعیین محتوای غیر اخلاقی بر اساس دیدگاه اکثریت نسبی جامعه، هم به تصمیم گرفته شده مشروعیت و اعتبار می‌بخشد و هم کارآمدی قاعده را افزایش می‌دهد» (محمودی جانکی، ۱۳۸۳: ۷۹۵)؛ چرا که «عبور از پالایش را به امری مذموم بدل کرده و یک تعهد درونی و همچنین نظارت از درون خانواده مخصوصاً برای کاربران با سنین پایین مهیا می‌کند» (سعد، ۱۳۹۴: ۱۵۹)؛ ضمن اینکه از دسترسی تصادفی افراد به محتواهای غیر اخلاقی محل سلامت روانی آنان جلوگیری کرده و در نتیجه رسیدن به هدف پالایش را عملی‌تر خواهد کرد.

لازم به ذکر است که گاه نسبی بودن مفهوم اخلاق، موجب سوءاستفاده برخی دولت‌ها در توسیع دامنه اخلاق جهت به انزوا کشیدن مخالفان و مداخله بیش از مقدار نیاز در حق آزادی بیان و اطلاعات و نیز حق حریم خصوصی افراد می‌شود. از این رو برخی، «حمایت از اخلاق را توجیه شایسته و معتبری برای اعمال پالایش تلقی نمی‌کنند» (Callanan & Etc., 2009: 188). با این حال، رعایت اجماع نسبی در تعیین قلمرو محتواهای غیر اخلاقی و «اکتفای دولت‌ها به پالایش حداقلی پایگاه‌ها و شبکه‌های اجتماعی که در مجموع، محتواهای غیر اخلاقی آن‌ها بر محتواهای اخلاقی غلبه می‌کند» (رحمتی و شهریار، ۱۳۹۶: ۱۷) می‌تواند بین این هدف پالایش مبنی بر صیانت از کیان اخلاق و حقوق بنیادین فوق، تعادل ایجاد نماید.

۲-۲-۳. حفظ امنیت

تأمین امنیت از جمله اهداف مشروعی است که در هر سه سند مقرر در فوق، تصریح شده است و می‌تواند ایجاد محدودیت در حق آزادی بیان و اطلاعات یا حق حریم خصوصی را موجه جلوه دهد. تردیدی نیست که به کارگیری اینترنت در ارتکاب برخی جرایم همچون جاسوسی و تروریسم سایبری، امنیت هر کشور را به شکل گسترده‌تری در معرض مخاطره قرار می‌دهد و شاید این گونه به نظر رسد که اعمال

پالایش به منظور مقابله با چنین اقداماتی، می‌تواند در تأمین امنیت مؤثر واقع شود. در حالی که اقدامات مخمل امنیت عمدتاً به شکل فرامرزی، سازمان‌یافته و توسط افرادی با مهارت‌ها و توان علمی بسیار بالا رخ می‌دهند و پالایش که فقط در محدوده فضای سایبری داخل کشورها اعمال می‌گردد، نمی‌تواند راهکار مناسبی در این زمینه تلقی گردد.

۴-۲-۲. هدف پیشگیری

یکی از مهم‌ترین اهدافی که با پالایش فضای مجازی دنبال می‌شود، هدف پیشگیری است. این هدف در دو زمینه پیشگیری، اعم از پیشگیری از بزهکاری کاربران و پیشگیری از بزه‌دیدگی آنان، قابل بحث است. فرض بر این است که پالایش، با داشتن قابلیت‌هایی همچون امکان جلوگیری از انتشار فنون ارتکاب جرم، از تقلید اسلوب ارتکاب جرم توسط کاربران ممانعت به عمل می‌آورد. نیز پالایش با سخت‌تر کردن آماج جرم، شاید بتواند از بزه‌دیدگی برخی کاربران پیشگیری نماید. تأثیر پالایش در کاهش تحریک به ارتکاب جرم می‌تواند در هر دو زمینه پیشگیری مؤثر واقع شود.

ظهور اینترنت به علت فراهم آوردن ارتباطات بدون مرز «فرصت‌های جزایی مناسب‌تری جهت ارتکاب جرم در اختیار کاربران مستعد بزهکاری قرار می‌دهد» (Reyns & Henson, 2013: 311) که چه‌بسا بدون وجود فضای مجازی، این جرایم به منصفه ظهور نمی‌رسید یا حداقل به این سرعت و وسعت امکان تحقق پیدا نمی‌کرد. امروزه با بهره‌گیری از اینترنت، گروه‌های مجرمانه با افراد زیادی در نقاط مختلف جهان ارتباط برقرار کرده و الگوهای مجرمانه خود را ارائه می‌دهند و کاربران در اثر معاشرت با این گروه‌ها، فنون ارتکاب جرم را آموخته و تقلید می‌نمایند. از این رو «دولت‌ها که همواره در حال مطالعه و تجربه‌اندوزی برای مصون‌سازی آماج بالقوه و اتخاذ راهکارهای مناسب در مقابل این تهدیدها هستند» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۸: ۱۱)، از پالایش صفحات مجرمانه و غیر قابل دسترس نمودن محتویاتی که به آموزش جرم در فضای مجازی می‌پردازند، به عنوان شگردی «جهت انگیزه‌زدایی از تقلید و دنباله‌روی» (ابراهیمی، ۱۳۹۳: ۱۰۱/۱) در ارتکاب جرم بهره می‌برند تا بلکه بتوانند از تقلید فنون ارتکاب

جرم و در نتیجه وقوع آن پیشگیری نمایند؛ تا جایی که تقریباً همه دولت‌ها «حتی دموکراسی‌های آزادی‌خواه نیز به منظور پیشگیری از جرم، اعمال تدابیر پیچیده پالایش را جهت محدود نمودن دسترسی به اینترنت انکار نمی‌کنند» (Breindl & Etc., 2015: 3). همچنین متولیان پالایش در تلاش‌اند تا از طریق ایجاد محدودیت در دستیابی به برخی منابع اینترنتی، که با لحاظ مؤلفه‌های فرهنگی، مذهبی، اخلاقی و... از جمله مصادیق مجرمانه شناخته می‌شوند، مانع از رویارویی مجرمان و قربانیان بالقوه شده و در واقع با دشوارسازی آماج جرم، فرصت دسترسی به آنان را سلب نموده و از بزه‌دیدگی آنان پیشگیری نمایند؛ مثلاً با پالایش وبگاه‌های تبلیغاتی که بدافزارها را در قالب فایل مورد نظر کاربر پنهان نموده و قربانیان را طعمه خود می‌سازند، سعی می‌شود از دسترسی به آماج جلوگیری شده و در نتیجه خطر بزه‌دیدگی‌های برخاسته کاهش داده شود.

کاهش تحریک به ارتکاب جرم، از دیگر قابلیت‌های پالایش در جهت پیشگیری است؛ بدین شرح که گاه وجود برخی محتواهای مجرمانه، کاربران را به وقوع جرم وسوسه می‌کند و چه بسا اگر عامل تحریک‌کننده نمی‌بود، آنان مرتکب جرم مورد نظر نمی‌شدند؛ مثلاً وجود محتواهای مربوط به هرزه‌نگاری به ویژه هرزه‌نگاری کودکان و دسترسی اتفاقی یا عمدی کاربران به آن، باعث می‌شود حتی افرادی که منحرف جنسی نیستند، به علت تعقیب مرتب تصاویری در این خصوص، به ارتکاب خشونت‌های جنسی برخاسته علیه کودکان رغبت پیدا کنند. از این رو مسدودسازی محتویات مربوط به هرزه‌نگاری، به دلیل کاهش وسوسه‌های ارتکاب جرم، ضمن پیشگیری از ارتکاب جرم، می‌تواند دلیل منطقی برای به کارگیری این ابزار در جهت تقلیل بزه‌دیدگی کودکان قلمداد گردد.

۲-۳. اصل ضرورت در جامعه دموکراتیک

یکی از اصول لازم برای اعمال پالایش، «اصل ضرورت» است. بر اساس این اصل، از میان تدابیر متعددی که می‌تواند اهداف مشروع پیش‌گفته را تأمین نماید، باید روشی انتخاب گردد که آسیب کمتری به حقوق و آزادی‌های افراد می‌زند. همچنین

آن تدبیر باید مقتضای یک جامعه دموکراتیک باشد. نظر به فقدان معیاری جهت تشخیص اصل ضرورت، محدودیت‌هایی که برای یک جامعه دموکراتیک ضروری است، توسط حکومت‌ها معین می‌شود، اما به منظور جلوگیری از تفاسیر ضد حقوق بشری دولت‌ها از مصادیق محدودیت، تعریف آن‌ها تا جایی معتبر است که با مؤلفه‌های یک جامعه دموکراتیک مندرج در اسناد بین‌المللی منطبق باشد. با توجه به رویه قضایی غنی دادگاه اروپایی حقوق بشر در این خصوص و در راستای جلوگیری از سوءاستفاده حکومت‌ها، می‌توان از تحلیل دادگاه در تشریح این اصل الهام گرفت. بر اساس رأی دادگاه، «اصل ضرورت متضمن دو رکن است: اول اینکه هر اقدام محدودکننده باید در پاسخ به نیاز مبرم یک جامعه اتخاذ شود. دوم اینکه اقدامات اتخاذی متناسب با هدف مشروع باشد»^۱.

۲-۳-۱. پاسخ پالایش به نیاز اساسی جامعه

با توجه به هر یک از اهداف مشروع پیش‌گفته، پالایش باید کارایی کافی را جهت پاسخ به نیاز جدی جامعه‌ای که در آن اجرا می‌شود، داشته باشد. به منظور احراز این شرط در بیشتر موارد باید مطالعات و بررسی‌های کارشناسانه‌ای انجام شود تا پس از روشن شدن ابهاماتی که بدان اشاره خواهد شد، از کارکرد پالایش اطمینان حاصل شود. با پالایش هرزه‌نامه، روزانه حجم عظیمی از هرزه‌نامه‌ها فیلتر می‌شود و این امر باعث می‌شود که هم خدمات ایمیل کارکرد خود را همچنان حفظ نمایند و هم نیاز بیشتر کاربران اینترنتی از جهت آزادی مخابرات رفع گردد، پس به نظر می‌رسد که این اقدام، مطابق با الزام فوق باشد.

در اینکه آیا اجرای پالایش با هدف حمایت از صاحبان حقوق مالکیت معنوی، می‌تواند با نیاز اساسی جامعه منطبق باشد، تردید وجود دارد. بدین جهت که «پالایش P2P^۲

1. Case of Sunday Times v. the United Kingdom, 26 April 1979, (Application No. 6538/74), Quoted by: Callanan, Cormac & Etc., Internet Blocking Balancing Cybercrime Responses in Democratic Societies.

۲. نام گونه‌ای از شبکه‌های رایانه‌ای است که در آن، رایانه‌های همه در یک سطح کار می‌کنند... و هیچ دستگاهی برای مدیریت در مرکز شبکه وجود ندارد (<<https://www.digitalcitizen.life>>).

موجب می‌شود که کاربران در فاصله زمانی کوتاه با رمزگذاری فعالیت خود در اینترنت، از هر گونه نظارت بر محتوا و در نتیجه پالایش آن جلوگیری نمایند» (Callanan & Etc., 2009: 192). پالایش وب نیز به راحتی توسط کاربران یا صاحبان وبگاه دور زده می‌شود. در نتیجه پالایش با این هدف، عملاً کارایی لازم را نخواهد داشت.

در زمینه پالایش با هدف حمایت از قربانیان باید دو نکته را مدنظر قرار داد: اول اینکه در تصاویری که چهره قربانیان مشخص نیست، جهت اعمال پالایش نمی‌توان به این توجیه متوسل شد و دوم اینکه برخی اقدامات دیگر از جمله تسهیل شکایت علیه مجرم و فراهم نمودن زمینه‌ای جهت اعلام جرم توسط شهروندان،^۱ تقویت تحقیقات جهت پیدا کردن قربانیان جرم و ارائه خدمات لازم به منظور تسکین آلام آنان در راستای جبران خسارات مادی، معنوی و حتی عاطفی،^۲ یافتن مرتکبان اعم از تهیه‌کنندگان تصاویر مورد نظر و منتشرکنندگان آنها به منظور تعقیب و مجازات آنان، در تأمین منافع قربانی مؤثرتر از پالایش به نظر می‌رسد.

در خصوص حمایت از سلامت و اخلاقیات جامعه، باید بررسی شود که آیا از نظر عموم مردم، منع مردم از دسترسی به محتوای غیر اخلاقی در اولویت است یا بسیج مردم به گزارش جرایمی که آن محتواها را تبلیغ می‌نمایند؟ همچنین معلوم گردد درصد جمعیتی که در این خصوص نیاز به حمایت دارند، چقدر است؟ آیا پالایش در محافظت از این افراد مؤثر است یا خیر؟ نیز بررسی شود میزان محتواهای غیر اخلاقی که هنوز در ردیف محتوای غیر قانونی قرار نگرفته و فیلتر نشده است، چقدر است؟ در مورد پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی کاربران، باید درصد احتمالی افرادی که با اعمال پالایش ممکن است از مسیر مجرمانه روی برتابند، بررسی شود و نیز تحقیق شود آیا کسانی که با دسترسی به محتوای مجرمانه، به ارتکاب جرم گرایش پیدا کرده‌اند، در صورت مسدود بودن آن محتوا، به هیچ وجه مرتکب آن جرم نمی‌شدند؟

۱. در این راستا، اتحادیه اروپا یک خط تلفن ویژه (hotline) جهت دریافت گزارشات مردمی از وجود چنین محتواهایی اختصاص داده که مورد استقبال کاربران قرار گرفته است (Bashir & Nasrollahi, 2018: 21).
 ۲. به شرحی که در اعلامیه «اصول اساسی عدالت برای قربانیان جرم و سوءاستفاده از قدرت» سازمان ملل مقرر شده است.

در خصوص پیشگیری از بزه‌دیدگی نیز باید بررسی گردد ایجاد محدودیت در دسترسی به برخی منابع اینترنتی و جلوگیری از مواجهه بزه‌کاران سایبری و قربانیان بالقوه، تا چه میزانی توانسته است از بزه‌دیدگی آنان ممانعت به عمل آورد؟

در همه موارد فوق باید بررسی شود که عکس‌العمل افراد در مقابل پالایش چنین محتواهایی چیست؟ آیا آن‌ها فیلترها را دور نمی‌زنند؟ یا از پروتکل‌های دیگری جهت تعقیب این تصاویر استفاده نمی‌کنند؟ به عبارت دیگر نسبت تقریبی دسترسی به محتوای غیر قانونی از طریق وبگاه‌هایی که قرار است فیلتر شوند، با میزان توزیع تقریبی آن از طریق دیگر وبگاه‌ها مقایسه گردد. در این بررسی‌ها همچنین باید روشن شود که محتواهای فیلترشده بعد از چه مدت زمان و با چه کیفیتی ممکن است دوباره ظاهر شوند؟ چنانچه ماحصل این مطالعات بتواند اثبات نماید که پالایش می‌تواند به اهداف مشروع مندرج در فوق که مورد نیاز برای یک جامعه است، دست یابد در این صورت اجرای آن مفید بوده و متضمن الزام فوق مبنی بر پاسخ به نیاز اساسی جامعه می‌باشد. در واقع بدون بررسی و شفاف‌سازی ابهامات فوق نمی‌توان به تحقق این شرط و در نتیجه ضرورت داشتن پالایش یقین حاصل نمود.

۲-۳-۲. تناسب پالایش با هدف مشروع مورد تعقیب

به منظور دستیابی به یکی از اهداف مشروع پالایش و جهت رفع نیاز اساسی جامعه، محدودیت‌های ناشی از پالایش نسبت به حقوق و آزادی‌های بنیادین باید با هدف آن متناسب باشد. بدیهی است معیار تناسب در اجرای پالایش، با توجه به هدف خاص پالایش از یک سو و کارکرد پالایش از سوی دیگر ارزیابی می‌گردد.

برای مناسب قلمداد شدن پالایش، علاوه بر اینکه باید دلایل کافی وجود داشته باشد که منفعت خاصی در خطر است و حمایت آن مستلزم مداخله از طریق پالایش است، همچنین کارکرد پالایش نیز باید مورد بررسی قرار گیرد و ثابت گردد که فناوری پالایش از لحاظ فنی قابلیت تأمین هدف مورد نظر را دارد. علاوه بر آن، «باید میزان مداخله پالایش بر حق آزادی بیان و حق حریم خصوصی مشخص شود» (Article 19, 2016: 15) و محدودیت‌های تحمیل شده بر این حقوق بتواند با حفظ منافع ناشی از آن جبران شود.

فقدان تمام یا برخی از این شرایط، به منزله نامناسب بودن پالایش و در نتیجه غیرضروری بودن آن می‌باشد.

بدیهی است هر اقدام پالایش با توجه به هدف آن، شرایط خاصی برای مناسب قلمداد شدن می‌طلبد که به شرح زیر بررسی می‌شود:

تردیدی نیست که هرزه‌نامه، خطر واقعی برای خدمات ایمیل ایجاد می‌کند و پالایش می‌تواند از ارسال هرزه‌نامه‌های بیش از حد جلوگیری نماید. ولی با اعمال آن، حق آزادی برخی کاربران در ارسال ایمیل و بعضاً حق محرمانگی مراسلات به علت ارسال ایمیل‌های غیر قانونی محدود می‌شود. با این حال، چون این محدودیت با حفظ امکان استفاده از صندوق‌ها و پروتکل‌های ایمیل جبران می‌شود، پس چنین محدودیتی برای رسیدن به هدف مورد نظر مناسب می‌باشد.

در خصوص اعمال پالایش به منظور حمایت از حقوق مالکیت معنوی، اگر کاربران ارتباطات خود را رمزگذاری کنند، نظارت بر محتوا و پالایش آن عملاً محال شده و این بحث، سالبه به انتفای موضوع می‌شود. در صورت عدم رمزگذاری نیز می‌توان گفت که با اعمال پالایش، هزینه‌های بیشتری بر دولت و ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی تحمیل شده و آزادی ارتباطات و حریم خصوصی آن‌ها بیش از آنچه که برای حمایت از مالکان این حقوق لازم است، محدود می‌شود و در نهایت هم مانع از مبادله فایل‌های مورد نظر توسط کسانی که در جستجوی آن‌ها هستند، نمی‌شود. پس می‌توان گفت که اعمال پالایش در این خصوص نمی‌تواند با هدف مورد نظر مناسب باشد.

در مورد حفظ تصاویر قربانیان جرم، بی‌شک چنین تصاویری متضمن خطراتی برای قربانیان جرم می‌باشد. ولی اینکه منافع قربانیان با پالایش این تصاویر تأمین می‌شود یا نه، بستگی به موضع هر جامعه نسبت به این جرایم دارد. در جوامعی که رویکرد تدافعی نسبت به موضوع دارند، پالایش و در نتیجه جلوگیری کاربران از مشاهده چهره قربانی، در اولویت خواهد بود. ولی در جوامعی که از رویکرد تهاجمی استقبال می‌نمایند، اعتقاد بر این است که منافع قربانیان با آگاه‌تر شدن مردم نسبت به تحقق این جرایم، بیشتر تأمین می‌شود. «این موضع در آلمان توسط انجمن قربانیان علیه پالایش اینترنت اتخاذ گردیده که معتقد است پالایش چنین جرایمی، درک عمومی را نسبت به عمق

فاجعه کاهش می‌دهد» (Callanan & Etc., 2009: 201). بر اساس این دیدگاه، مشاهده چنین تصاویری، از یک طرف باعث می‌شود که کاربران، آن را به مقامات ذی‌صلاح جهت تعقیب مجرمان گزارش نمایند و از طرف دیگر، شهروندان حکومت‌ها را تحت فشار بگذارند تا در پیگیری چنین جرایمی جدیت بیشتری به خرج دهند.

در صورت اولویت‌بخشی به پالایش، قبل از اعمال آن باید میزان کارایی پالایش و همچنین امکان دور زدن آن توسط کاربران، مورد ارزیابی قرار گیرد و نیز به لحاظ فنی چنان سیستم پیشرفته‌ای به کار گرفته شود که از مشاهده محتواهای قانونی که دسترسی به آن‌ها لازمه حق آزادی بیان است، جلوگیری نشود.

در زمینه حمایت از سلامت و اخلاقیات جامعه، با توجه به طرز تلقی خاص هر جامعه از مفهوم اخلاقیات، ممکن است منافع اخلاقی جامعه و همچنین سلامت روانی افراد آسیب‌پذیر، به علت دسترسی به محتواهای غیر اخلاقی در مخاطره قرار بگیرد. اولین تأثیر پالایش در این خصوص، «جلوگیری از دسترسی تصادفی کاربران به محتواهایی است که در تباین با اخلاق یا سلامت افراد می‌باشد» (Ibid.: 202). ولی معمولاً پالایش نمی‌تواند از دسترسی افرادی که این محتواها را جستجو می‌نمایند، جلوگیری نماید؛ زیرا تا زمانی که محتوای مورد نظر برخط است، افراد قاصد همیشه راهی برای عبور از فیلتر پیدا می‌کنند. گفتنی است که با پالایش محتواهای مخالف سلامت روانی افراد آسیب‌پذیر، افراد غیر حساس نیز از آن مطالب محروم می‌شوند. همچنین محتواهای اخلاقی نیز ممکن است به دلیل ناکارآمدی سیستم‌های پالایش، فیلتر شوند و در نتیجه حق آزادی بیان به مقدار بیش از آنچه که برای مقابله با چنین محتواهایی لازم است، محدود گردد.

در خصوص هدف پیشگیری، اعمال پالایش زمانی می‌تواند متناسب تلقی شود که دارای چنان سازوکار پیشرفته‌ای باشد که از عدم دسترسی بیشتر بزهکاران به محتواهای غیر قانونی و مجرمانه اطمینان حاصل شود. این امر با مقایسه درصد بزهکاران و بزه‌دیدگان سایبری در زمان‌های قبل و بعد از اعمال پالایش و در نتیجه احراز کاهش نسبی آن مشخص خواهد شد؛ مشروط به اینکه اثبات گردد اعمال پالایش با کاهش کیفیت دسترسی به اینترنت یا تحمیل هزینه‌های سهمگین بر بودجه عمومی همراه نبوده

و محتوای قانونی که دسترسی به آن‌ها شرط لازم برای استفاده از حقوق بنیادین است، مسدود نشده است. به علاوه اعمال نظارت بر ارتباطات اینترنتی جهت کشف محتوای مجرمانه، منجر به ثبت سیستماتیک همه ارتباطات اینترنتی نشده و آزادی بیان و نیز حریم زندگی شخصی شهروندان بیش از آنچه که در یک جامعه دموکراتیک جهت رسیدن به هدف فوق لازم است، آسیب ندیده است.

نتیجه‌گیری

پالایش فضای مجازی عمده‌تاً توسط دولت‌ها اعم از اقتدارگرا و مردم‌سالار، جهت تضمین امنیت فضای مجازی و به منظور در امان ماندن از آسیب‌های آن اعمال می‌شود. توسل به پالایش هرچند ممکن است برخی حقوق همچون حقوق کودکان در مقابل سوءاستفاده‌های جنسی و یا حقوق افراد در مقابل تبعیض را مورد حمایت قرار دهد، ولی تردیدی نیست که برخی دیگر از حقوق بنیادین از جمله حق آزادی بیان و اطلاعات، حریم خصوصی ارتباطات الکترونیکی و حریم داده‌های شخصی را مختل می‌گرداند و استفاده گسترده از آن حتی منجر به نقض این حقوق می‌گردد.

جهت حل این تعارض، لازم است هر گونه مداخله در حقوق و آزادی‌های بنیادین به صورت استثنایی و تحت شرایط و اصول خاصی که لازمه یک جامعه دموکراتیک است، صورت پذیرد. از این رو حکومتی که مدعی مردم‌سالاری است، نمی‌تواند با اعمال پالایش و تحت لوای تأمین نظم و امنیت، آزادی‌های بنیادین را محدود نماید؛ مگر اینکه به اصول چهارگانه، شامل اصل قانونی بودن، اصل هدف مشروع، اصل ضرورت، اصل تناسب و نیز شرایط لازم برای تحقق این اصول پایبند باشد.

در این راستا، پالایش باید به موجب قانون مقرر شود و محتوای مجرمانه و مصادیق آن در قانون تصریح شود. نیز پالایش باید اهدافی را دنبال نماید که آن اهداف از این حیث که برخی دیگر از حقوق اساسی شهروندان را تضمین می‌نمایند، جزء اهداف مشروع می‌باشند.

همچنین پالایش باید ضرورت داشته باشد؛ بدین صورت که اولاً، جهت رفع نیاز جدی جامعه چاره‌ای جز توسل بدان نباشد. ثانیاً، با هدف تعقیب‌شده مناسب باشد.

بدین منظور ضمن اینکه پالایش باید کارآمدی کافی جهت وصول به هدف مشروع را داشته باشد، نیز باید مقایسه‌ای بین حقوق و آزادی‌هایی که با پالایش به مخاطره می‌افتند و اهدافی که پالایش در تعقیب آنهاست، صورت گیرد و احراز شود که تضمین آن اهداف جز با اعمال پالایش میسر نمی‌باشد و محدودیت‌های ناشی از پالایش، بیش از آنچه که برای تأمین اهداف مورد نظر لازم است، تحمیل نمی‌شود. چنانچه ماحصل این بررسی‌ها نشان دهد که منافع حاصل از اعمال پالایش می‌تواند بر مضرات و هزینه‌های ناشی از آن غلبه نماید، در آن صورت، پالایش برای وصول به نتیجه مورد نظر مناسب و در نتیجه مشروع قلمداد خواهد شد. در صورت عدم رعایت هر یک از اصول و شرایط فوق، توجیه معتبری برای اعمال پالایش وجود نخواهد داشت.

با توجه به اهداف پالایش، می‌توان اذعان نمود که در بیشتر موارد، سیستم‌های پالایش در وصول به آن اهداف، دارای ایراداتی بوده و در نتیجه نامناسب و غیر ضروری تشخیص داده می‌شوند. بدین شرح که یا ضعف این سیستم‌ها موجب پالایش بیش از حد شده و حقوق کاربران را بیش از مقدار مورد نیاز محدود می‌نماید و یا به علت پالایش کمتر از حد مورد نیاز، پالایش نمی‌تواند محتوایی را که باید فیلتر شوند، در بر بگیرد. در اکثر موارد به دلیل امکان دور زدن توسط کاربران، پالایش قابلیت کافی جهت وصول به هدف مورد نظر خود را ندارد. در مواردی هم برای رسیدن به هدف مورد نظر، روش دیگری غیر از پالایش که مداخلات کمتری در حقوق و آزادی‌های شهروندان داشته باشد، وجود دارد. در نتیجه اعمال آن، جز تبعات حقوق بشری نسبت به شهروندان و بار مالی هنگفت برای دولت، ارمغان دیگری نخواهد داشت.

بنابراین به نظر می‌رسد تأمین اغلب اهداف پیش گفته، با روش‌های رضایت‌بخش دیگری که متضمن کمترین هزینه و مداخله باشد، امکان‌پذیر است. این تدابیر و اقدامات که در زیر بدان‌ها اشاره می‌شود، ضمن بری بودن از ایرادات پالایش، می‌توانند در وصول به اهداف فوق با موفقیت بیشتری عمل کنند.

در جهت تأمین سلامت روانی افراد جامعه و به خصوص کودکان، از آنجا که خود مردم نیز معمولاً حاضرند به منظور تأمین سلامت روانی خود، از پاره‌ای آزادی‌هایشان چشم‌پوشند، پس به نظر می‌رسد که چنین هدفی با واگذار نمودن ابتکار عمل به

والدین و مدیران مدارس قابل حصول باشد؛ بدین نحو که آن‌ها می‌توانند از طریق نصب نرم‌افزارهای پالایش در سیستم خود، نوع محتوایی را که کودکان بدان دسترسی دارند، کنترل کنند و در واقع با نظارت از درون خانواده، آن‌ها را از مضرات محتواهای مخمل سلامت، در امان نگه دارند.

در راستای حمایت از قربانیان هرزه‌نگاری یا قربانیان جرایم نفرت‌آلود، به نظر می‌رسد همکاری‌های بین‌المللی و مشارکت دولت‌ها در حذف تصاویر قربانیان از سرورهای دولت میزبان، به نحو بهتری می‌تواند در حمایت از آن‌ها مؤثر واقع شود؛ چون با این روش، تصاویر مورد نظر حتی از طریق فیلترشکن هم قابل دسترس نخواهد بود. ضمن اینکه این امر، دغدغه‌هایی چون پالایش بیش از حد، مداخله در قلمرو آزادی کاربران و تخصیص بودجه‌های کلان را در پی ندارد.

در جهت پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی کاربران فضای مجازی، ظاهراً امروزه سیستم‌هایی وجود دارند که با کمک آن‌ها ضمن اینکه مرتکبان و قربانیان جرم ردیابی می‌شوند، بلکه همچنین کسانی که مرتباً محتواهای مجرمانه‌ای همچون هرزه‌نگاری کودکان را جستجو می‌کنند، رهگیری می‌گردند. این سیستم‌ها روزبه‌روز پیشرفته‌تر می‌گردند و استفاده از آن‌ها در وصول به هدف فوق، مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

همچنین تشکیل نهادهای بین‌المللی برای مبارزه با جرایم سایبری در سطح بین‌المللی، همچون پلیس بین‌الملل که نزدیک به یک قرن است برای مبارزه با جرایم بین‌المللی تشکیل شده است، تصویب مقرراتی در سطح جهانی با الگوگیری از کنوانسیون اروپایی بوداپست که در مقدمه خود جهت حمایت از جوامع در برابر جرایم سایبری، اعمال یک سیاست جنایی مشترک بین اعضای کنوانسیون را ضروری دانسته است، پایبندی دولت‌ها به تعهدات پیش‌بینی شده در نشست‌های جهانی سران جامعه اطلاعاتی مبنی بر سیاست‌گذاری در راستای ارتقای سواد اطلاعاتی شهروندان با هدف پیشگیری از بزه‌دیدگی آن‌ها در فضای سایبری، نظیر آنچه در پاراگراف ۱۱ «نقشه عمل» بدان تأکید شده است، همکاری‌های بین‌المللی کشورها در راستای حذف محتواهای مجرمانه که غیر قانونی بودن آن‌ها مورد اجماع تمام یا بیشتر کشورهاست و... در حصول هدف اخیر مبنی بر پیشگیری و مبارزه با جرم، تأثیر مثبتی خواهد داشت.

کتاب‌شناسی

۱. ابراهیمی، شهرام، *جرم‌شناسی پیشگیری*، چاپ سوم، تهران، میزان، تابستان ۱۳۹۳ ش.
۲. اسماعیلی، محسن، و محمدصادق نصرالهی، «پالایش فضای مجازی: حکم و مسائل آن از دیدگاه فقهی»، *دوفصلنامه دین و ارتباطات*، سال بیست و سوم، شماره ۱ (پیاپی ۴۹)، بهار و تابستان ۱۳۹۵ ش.
۳. بابازاده مقدم، حامد، و عباس اسدی، «اصول پالایش (فیلترینگ) پایگاه‌های اطلاع‌رسانی اینترنتی»، *فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین*، سال سوم، شماره ۹، بهار ۱۳۹۶ ش.
۴. جاویدنیا، جواد، علیرضا عابدی سرآسیا، و عباسعلی سلطانی، «واکاوی سیاست‌های پالایش محتوای مجرمانه (فیلترینگ) از منظر فقهی»، *دوفصلنامه دین و ارتباطات*، سال بیست و دوم، شماره ۲ (پیاپی ۴۸)، پاییز و زمستان ۱۳۹۴ ش.
۵. جلالی فراهانی، امیرحسین، «پیشگیری وضعی از جرایم سایبر در پرتو موازین حقوق بشر»، *فصلنامه تخصصی فقه و حقوق*، سال دوم، شماره ۶، پاییز ۱۳۸۴ ش.
۶. جوانی، مارگریت، «آزادی‌های بنیادین بشری در اسناد بین‌المللی»، *مجله کانون وکلای دادگستری مرکز*، شماره‌های ۱۸۰-۱۸۱، سال ۱۳۸۲ ش.
۷. حسین نژاد، سیدمجتبی، و حمیدرضا منیری حمزه کلایی، «تحلیل و بررسی فقهی اجرای فیلترینگ در فضای مجازی»، *فصلنامه حکومت اسلامی*، سال بیست و دوم، شماره ۲ (پیاپی ۸۴)، تابستان ۱۳۹۶ ش.
۸. دارابی، بهنام، «جرایم ناشی از نفرت»، *فصلنامه مطالعات تقریب مذاهب اسلامی*، دوره جدید، سال دوازدهم، شماره ۴۶، زمستان ۱۳۹۵ ش.
۹. رحمتی، حسینعلی، و حمید شهریاری، «پالایش و دشواره تراحم اخلاقی»، *فصلنامه پژوهش‌نامه اخلاق*، سال دهم، شماره ۳۷، پاییز ۱۳۹۶ ش.
۱۰. رضایی، مهدی، و حامد بابازاده مقدم، «اصول تدوین قوانین و مقررات برای اینترنت با تأکید بر مصوبات یونسکو و شورای اروپا»، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، سال پانزدهم، شماره ۴۲، بهار ۱۳۹۳ ش.
۱۱. سعد، علی، «درآمدی بر سیاست‌های پالایش سایت‌های اینترنتی»، *فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین*، سال اول، شماره ۲، ۱۳۹۴ ش.
۱۲. سلیمی، احسان، *آسیب‌شناسی پیشگیری از جرایم سایبری در ایران*، رساله دکتری، دانشگاه قم، ۱۳۹۷ ش.
۱۳. صادقی، سالار، *بررسی حقوقی و جرم‌شناختی جرایم ناشی از نفرت (با تأکید بر مکتب جرم‌شناسی پست‌مدرن)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز، ۱۳۹۵ ش.
۱۴. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، *آزادی‌های عمومی و حقوق بشر*، چاپ هفتم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۹۶ ش.
۱۵. طهان طرقي، محمد، *تحلیل جرم‌شناسانه جرایم مبتنی بر نفرت*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۹۵ ش.
۱۶. فتحی، یونس، و خیراله شاهمرادی، «گستره و قلمرو حریم خصوصی در فضای مجازی»، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۹۹، پاییز ۱۳۹۶ ش.
۱۷. کوچ‌نژاد، عباس، «محدودیت‌های حقوق بشر در اسناد بین‌المللی»، *نشریه حقوق اساسی*، سال دوم، شماره ۳، زمستان ۱۳۸۳ ش.
۱۸. گرچی، علی‌اکبر، «مبنا و مفهوم حقوق بنیادین»، *فصلنامه حقوق اساسی*، سال دوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۳ ش.

۱۹. محمودی جانکی، فیروز، «حمایت کیفری از اخلاق»، مقاله در: *علوم جنایی؛ مجموعه مقالات در تجلیل از استاد محمد آشوری*، به کوشش محمد صدر توحیدخانه مبارکه، تهران، سمت، پاییز ۱۳۸۳ ش.
۲۰. همو، مبانی، اصول و شیوه‌های جرم‌نگاری، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۲ ش.
۲۱. مرکز مالگیری، احمد، «محدودیت‌های اعمال حقوق بشر در حقوق داخلی و کنوانسیون‌های بین‌المللی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال هفتم، شماره ۴، ۱۳۸۳ ش.
۲۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «از جرم‌شناسی حقیقی تا جرم‌شناسی مجازی»، دیپاچه در: *پیکا، ژرژ، جرم‌شناسی*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ چهارم، تهران، میزان، ۱۳۹۵ ش.
۲۳. همو، «پیشگیری عادلانه از جرم»، مقاله در: *علوم جنایی؛ مجموعه مقالات تجلیل از دکتر محمد آشوری*، چاپ چهارم، تهران، سمت، ۱۳۹۴ ش.
۲۴. همو، «درباره بزهکاری و جرم‌شناسی سایبری»، *فصلنامه تعالی حقوقی*، ماهنامه آموزشی دادگستری کل استان خوزستان، سال چهارم، شماره ۴۶، ۱۳۸۸ ش.
۲۵. ویلیامز، ماتیو، *بزهکاری مجازی بزه؛ انحراف و مقررات‌گذاری برخط*، ترجمه امیرحسین جلالی فراهانی و محبوبه منفرد، تهران، میزان، ۱۳۹۱ ش.
26. Article 19, "Freedom of Expression Unfiltered: How blocking and filtering affect free speech", 2016, Available at: <www.article19.org>, Visited: 3/12/2018.
27. Barlow, John Perry, "A Declaration of the Independence of Cyberspace", 1996, Available at: <www.scholarship.law.duke.edu>, Visited: 10/8/2020.
28. Bashir, Hassan & Mohammad Sadegh Nasrollahi, "A Comparative Study of Regulation the Filtering of Cyberspace in the US, the EU and China: Proposal for Policymaking in Iran", *Journal of Cyberspace Studies*, Vol. 2(1), 2018.
29. Bitso, Constance, "Internet Censorship in South Africa: a brief exposé of negative and positive trends", *South African Journal of Library and Information Science*, Vol. 80(1), 2014.
30. Breindl, Yana & Patrick Theiner & Andreas Busch, "Internet blocking regulation: a comparative analysis of 21 liberal democracies", *111th Annual Meeting of the American Political Science Association (Journal)*, San Francisco, 2015.
31. Breindl, Yana, "Internet Content Regulation in Liberal Democracies: A Literature Review", Institute of Political Science, George-Aggust-Universität Göttingen, 2013, Available at: <https://www.gcdh.de/fileadmin/user_upload/YBreindl_Literature_Review_Mar2013_final.pdf>.
32. Callanan, Cormac & Marco Gercke & Estelle De Marco & Hein Dries-Ziekenheiner, "Internet blocking balancing cybercrime responses in democratic societies", October 2009.
33. Case of Sunday Times v. the United Kingdom, 26 April 1979, (Application No. 6538/74), Quoted by: Callanan, Cormac & Etc., Internet Blocking Balancing Cybercrime Responses in Democratic Societies.

34. Copland v. the United Kingdom, (Application No. 62617/00), 3 April 2007, Available at: <<https://hudoc.echr.coe.int>>, Visited: 10/7/2020.
35. General Comment No. 34, CCPR/C/GC/34, Adopted on 12 September 2011, Para. 12, Available at: <<https://www.2.ohchr.org>>, Visited: 10/5/2020.
36. Handyside v. the United Kingdom, (Application No. 5493/72), 7 December 1976, Available at: <<https://hudoc.echr.coe.int>>, Visited: 10/7/2020.
37. Mill, John Stuart, *On Liberty*, Originally published 1859, Batoche Books, Kitchener, 2001.
38. Parti, Katalin & Luisa Marin, “Ensuring Freedoms and Protecting Rights in the Governance of the Internet: A Comparative Analysis on Blocking Measures and Internet Providers’ Removal of Illegal Internet Content”, *Journal of Contemporary European Research*, Vol. 9(1), February 2013.
39. Reyns, Bradford W. & Billy Henson, “Security in Digital World: Understanding and Preventing Cybercrime Victimization”, *Security Journal*, Vol. 26, 2013.
40. Zittrain, Jonathan L. & John G. Palfrey, “Access Denied: The Practice and Policy of Global Internet Filtering”, Oxford Internet Institute, Research Report No. 14, June 2007, Available at: <<https://www.oii.ox.ac.uk/archive/downloads/publications/RR14.pdf>>.

